Pashai
Literacy / Wordlist
Booklet

الفبای زبان پشه یی

مرتبین:
۱- دکتور عبدالحکیم بلالی
۲- محمد رحمان فغانی
۳- سید اعظم انسانی
زیر نظر پوهاند محمد حسیم شهام کاندید اکادمیسین
رییس مرکز زبان و ادبیات اکادمی علوم ج.ا.ا
پروفیسور ا. گرونبرگ

الفبای زبان پشه یی ... مرتبین ... زیر نظر ... اکادمی علوم ... پروفیسور ...

مطبعهٔ دولتی

مسلسل (۲۲۳)

الفبای زبان پشه یی

مرتبین :

۱- دکتور عبدالحکیم بلالی

۲- محمد زمان کلمانی

۳- سید اعظم الینایی

زیر نظر پوهاند محمد رحیم الهام کاندید اکادمیسین و رئیس مرکز زبان و ادبیات اکادمی علوم ج.ا.ا.و پروفیسور ا.ل. گریونبرگ .

- الفبای زبان پشه یی
- مرتبین : دکتور عبدالحکیم بلالی، محمد زمان کلمانی، وصید اعظم الینایی
- زیر نظر پوهاند محمدرحیم الهام
- به اهتمام محمد سرور پاکفر
- نشر کردهٔ مجلهٔ خراسان، انستیتوت زبان و ادب دری، مرکز زبانها وادبیات، اکادمی علوم ج.ا.ا.
- چاپ آئیست مطبعهٔ تزئینی
- تیراژ ۲۰۰۰
- کابل ، ۱۳۶۷

الفبای زبان پشه یی

زبان پشه یی از جمله زبانهای اندو آریانی افغانستان است که قبل از پیروزی انقلاب ملی دموکراتیک ثور، هیچگونه توجهی در جهت اکتشاف آن به عمل نیامده بود. اگر از یادداشتهای شخصی و کارهای تحقیقی عده یی از محققان داخلی و خارجی، بخصوص مارگنستیرن که در حصه زبانهای افغانستان نموده و تعدادی از کلمات و چند متن محدود پشه یی را ثبت نموده و قسمتی از آن به چاپ رسیده است، بگذریم، نخستین بار در شروع نیمه قرن چهاردهم خورشیدی با آغاز نشرات پشه یی در رادیو افغانستان (که آنهم بیشتر از یکسال دوام نکرد) و تلاش پیگیر نور محمد عجمین تمیل که بصفت استاد در پوهنتون کابل تقرر حاصل کرد، کار نوشتن به زبان پشه یی آغاز و با پیروزی انقلاب شکوهمند ثور توسعه یافت و اولین بار الفبای زبان پشه یی با شکل فونیمیک در اخیر سال ۱۳۶۰ از طریق مجله کابل چاپ و نشر گردید. علاوه بر نشرات رادیو افغانستان و رادیوی محلی ننگرهار که زمینه نوشتن را به زبان پشه یی مهیا ساخت، چاپ و نشر مقاله ها و مطالب در مجله های «میلتیای برادر» و «ژوندون» به صورت منظم، و گه گاهی در مجله ها و روزنامه های دیگر کشور به زبان پشه یی آغاز یافت و تا حال پنج اثر مستقل به زبان پشه یی به نامهای «انقلابی اړ»، «پشه یی-پښتو متلونه»، «دلرې گلپنا»، «پشه یی ادب» و «تارانیالوشه» نوشته شده است و به تالیف، آفریدن و چاپ آثار به این زبان روز به روز افزوده میشود، که البته در همه آنها از الفبای معمول پښتو و در یکی اساس آن یعنی رسم الخط عربی تشکیل میدید. استفاده به عمل آمده است.

هرچند این استفاده نمودن از الفبای مروجه پشتو و دری خواندن و نوشتن را به زبان پشه یی با مشکلات مواجه میسازد. ولی این کار عملی و مورد پذیرش مردم است، زیرا از یکسو تمام مردم با سواد کشور ما و منطقه با این رسم الخط از قدیم و به طور سنتی آشنایی دارند و از سوی دیگر در بین این زبانها صداهای مشترک وجود دارند. پس به سهولت میتوان در نوشتن زبان پشه یی از همین نظام الفبایی استفاده نمود.

به منظور اینکه الفبای پشه یی به صورت همه جانبه مورد بررسی قرار گیرد و شکل پذیرفته شده یی را در سطح جهانی اتخاذ کند، از طریق مرکز زبان و ادبیات اکادمی علوم افغانستان تصمیم گرفته شد تا گروهی از اهل نظر و مجرب تحت نظر و به رهنمایی پروفیسور گریونبرگ زبانشناس کشور دوست اتحاد شوروی که به همین منظور به افغانستان دعوت شده بود، الفبای پشه یی را طرح و تثبیت نمایند. این هیئت که اعضای آن از محمد زاهد کلمانی سید اعظم الینایی و معاون سر محقق دکتور عبدالحکیم بلالی تشکیل میدادند پس از غور و بررسی همه جانبه وطی جلسات علمی که از ۶ دلو سال ۱۳۶۵ آغاز و تا تاریخ ۶ حمل ۱۳۶۶ دوام یافت و مدت دو ماه را در بر گرفت، الفبای پشه یی را با شکل فونیمیکی آن طرح و تثبیت نمود.

در ترتیب و تنظیم این الفبا تمام لهجه های پشه یی در صفحه ۴۴ جلد سوم آریانا دایرة المعارف افغانستان نیز به شرح ذیل تذکر یافته:

(۱) لهجه شمال غربی (کشتی و گلبهار)، (۲) لهجه دره اوزبین (غرب لغمان و الیشنگ علیا) (۳) لهجه تگاب و نجراب، (۴) (لهجه لغمان، الینگار و دره پیچ) در نظر گرفته شده و بعد این طرح پیشنهادی از نظر تم کاندیدا کادمیسین پوهاند محمد حسیم الهام رئیس مرکز زبان و ادبیات اکادمی علوم افغانستان گزارش یافت و منظور گردید.

برای فونیمهای زبان پشه یی گرافیمهای (حروف) ذیل تثبیت گردیده است:

{ آ ا ب پ ت ټ ث ج چ څ ح خ د ډ ذ ر ړ ز ژ
س ش ښ ص ض ط ظ ع غ ف ق ک ګ ل م ن ڼ و ه ء
ی ې ي ۆ (وو) ۍ (يي). }

فونیمهای زبان پشه یی جمعاً توسط ۴۷ حرف الفبایی به ترتیبی که در بالا آمده، منعکس گردیده است.

عجالتاً از شرح فونیمی مدلولهای صوتی حروف صرف نظر نموده، صرف به صورت الفبایی مجل استعمال و شکلی را که به صورت منفرد، در آغاز، میانه و انجام هر کلمه اتخاذ مینمایند علی الترتیب ارائه میداریم. یقین داریم که پشه یی زبانان با در نظر گرفتن مثالهایی که از زبان خودشان است هر یک را به صورت درست، چنانکه خود هنگام سخن گفتن تلفظ میکنند، ادا نمایند و ارزش صوتی آنها را بر اساس زبان خود، نه بر اساس زبان پشتو، دری یا عربی در نظر میگیرند.

الفبای مطروحه پشه یی، الفبای دری یا پشتو یا عربی نیست بلکه الفبای زبان پشه یی است، تنها در این الفبا حروف عربی که با تعدیلاتی در الفباهای پشتو و دری و سایر زبانهای افغانستان از آنها استفاده شده است، به کار رفته اند.

{آ}: الف ممدوده،

در آغاز واژه می آید، و نمودار دو صوت است:

۱- نمودار صوت /ā/، مانند:

آنجوپک /ānjawēk/ «آغاز کردن، پیل کول».

آن /ān/ «استند، دي».

آيي /āya/ «مادر، مور».

آملوک /amulūk/ «آملوک».

آري /ārz/ «شفتالو».

آسک /āsik/ «خاکستر، ايره».

این صوت در کلمه‌های پښتو دری نیز توسط حرف {آ} افاده میگردد:

آفتاب، آسمان.

۲- نمودار صوت /a/، این صوت انفیت، طوری که به هنگام تلفظ آن هوا از مجراهای بینی و دهن همزمان خارج میشود، مانند:

آنا /ānā/ «تخم، هگه».

آشنا /āšanā/ «آبشار».

آشیک /āšik/ «خیزدن، توپ وبل».

آشار /āšāy/ «تابستان، اوری».

آشیک /āšek/ «گرفتن، اخیستل».

این حرف در میانه و انجام واژه نمی آید.

{ا}: الف

در آغاز واژه:

۱- نمودار /a/ «الف مفتوح» است، مانند:

انیک /anik/ «زدن، وبل».

اندا /andā/ «کور، روند».

انگار /angar/ «آتش، اور».

انچ /anč/ «چشم، سترگه».

امبلا /ambalā/ «دوش، خفاسته».

این حرف مانند حرف {ا} در کلمه‌های پښتو و دریست: اندام، اسپ، اره اخیستل.

۲- نمودار /ā/ «الف مکسور» است، مانند:

اکلا /ākalā/ «تنها، یوازی».

اکالا /ākalā/ «آینده، راتلونکی».

اچیک /ājek/ «مشک».

اوا /āwa/ «آمده، راغلی».

اکټره /ākaṭa/ «باهم، یوځای».

امضا /āmzā/ «امضا».

۳- نمودار /u/ «الف مضموم» است، مانند:

ال /ul/ «عادت».

انچ /unč/ «چشمه، چینه».

اچیم /učim/ «گرژدم، لرم».

ابارا /ubarā/ «بلند، لور».

اندر /undar/ «پشک، پشکه». (۱)

این حرف مانند حرف {ا} در کلمه‌ی دری و پښتو است: اردو، استاد، اصول.

---

(۱) از لحاظ املایی بنابر اثر گذاری رسم الخط پښتو بعضاً بشکل اوندر، اوبارا، اچیم و اوچ هم مینویسند.

درمیان واژه :

۱- نمودار صوت /ā/ است ، مانند :

پارال /pārāl/ «سیب ، منه» .

گال /gāl/ «دشنام ، بدگفتار» .

اشپار /aspāṛ/ «برنج ، دریچی» .

ممبا /mambā/ «کاکا ، ترده» .

دمتا /damaṭā/ «ریسمان ، رسن» .

گورا /gūṛā/ «اسپ ، آس» .

بگتا /baguṭā/ «لک ، دبل ، چاق» .

این حرف مانند حرف «الف» در کلمه‌های پښتو دریست : نادار ، ناکام ، غوا ، هوا .

۲- نمودار صوت انفی /ā̃/ است ، مانند :

مان /mā̃/ «پلک ، جیرنگ» .

کان /kā̃/ «تیر یا اشعه نافشی یا درانگه» .

اه /ahā̃/ «بلی ، هو» .

چا /cā̃/ «نفس»

{أ} ، الف همزه دار ،

این حرف که درمیان ، انجام و همچنان به ندرت به صورت مستقل وهم در آغاز واژه بیاید نمودار داول /a/ است ، مانند :

أ /a/ «بخور ، وخورد» .

أکن /akīn/ «خورده بود ، خورلی بود» .

تیاں /tyān/ «باشد ، وی» .

سیاگن /syāgān/ «انباق ، بنه» .

وداى /wudāy/ «از ، ثخه» .

شرایلي /šarāylī/ «خزان ، منی» .

هروانیا /harwānyā/ «برگدام ، هریو»

دیا /dyā/ «فیر ، دزه» .

این حرف از الف همزه دار معمول پښتو و دری فرق میکند و صوتی به گونه دیگر را افاده میکند .

{و} :

درآغاز واژه :

نمودار /wa/ «واو مفتوح» است ، مانند :

وچولا /waċūlā/ «گوساله ، خوسی» .

ورگ /warg/ «آب ، اوبه» .

ورنج /warinj/ «مورچه ، میزی» .

ویند /wayand/ «بهار ، پسرلی» .

وسني /wasanī/ «عروسی ، واده» .

وونا /wawanā/ «رسم و رواج ، دود» .

این حرف مانند حرف {و} درواژه های پښتو دریست : وی ، ولد وخت ، ورزش .

نمودار /w/ «واو مکسور» است ، مانند :

وتیک /wiṭik/ «تیرشدن، تیربدل».

ورگ /wirəg/ «مرد، نارینه».

ورپک /wirék/ «گریه کردن، زرزل».

وشام /wiša:m/ «راحت، دمه».

ورمبو /wirimbu:/ «چارمغز، جوز».

این حرف ماند حرف {و} دروازه‌های پښتو و دریست: ولایت، وفق، ورد.

نمودار /wu/ «واو مضموم» است، مانند:

وشا /wuša:/ «خارپشتک، شکون».

ورچ /wurač/ «خواب، خوب».

وی /wuy/ «دختر، نور».

ولس /wulis/ «ولس».

که ماند حرف {و} دروازه‌های دری پښتو است: وصول، ورود ورانگه، وخور.

درمیان واژه:

نمودار /wa/ است، مانند:

کول /kawal/ «تاوه، تبی».

کیولا /kewala/ «تنها، یوازی».

اوتیاری /awatyari/ «گرسنه‌گی، آویزه».

سونا /siwana/ «تار»

اون /awa:n/ «چپه».

کوا /kawara/ «زاغ، کارغه».

این حرف ماند حرف {و} دروازه‌های دری پښتو است: اول، روند میوند، پیوند.

نمودار /w/ است، مانند:

اویان /awya:n/ «سرپوش، برغولی».

لکویا /lakiwya/ «لسیده، ختلی».

لاووا /lawiwa/ «افگارشده، ژوبل شوی».

این حرف ماند حرف {و} دروازه‌های دری پښتو است، شاور، مجاورت.

نمودار /wu/ است، مانند:

نور /nawu:r/ «ناخون، نوک».

نومالي /nawumali/ «نوعی از گل».

لوچ /lawuč/ «سبک، سپکه».

ماولم /mawulam/ «مامایم، مامی».

این حرف ماند حرف {و} دروازه‌های دری پښتو است، تحول، تعادل، کول.

درانجام واژه:

نمودار /w/ است، مانند:

کاو /ka:w/ «چقدر، څومره».

یاو /ya:w/ «اینقدر، ډیره».

{و} همچنان نمودار واولهای /a، o، u/ است:

درمیان واژه:

/ū/ (واومعروف):

چور /čūr/ «دزد، غل».

گوناچ /gūnāč/ «مار».

لون /lūn/ «نمک، نالگه».

دور /dūr/ «روی، مخ».

اوچ /ūč/ «راست، سم».

این حرف مانندحرف {و} دروازه‌های دری وپښتو است: توت انگور، انځور.

/o/ (واوِمجهول):

لورا /lorā/ «دستک، لرگی».

اول /ol/ «احتیاط».

لوهان /lohān/ «آسان».

ژوندی /žwandē/ «یوغ».

کوشرا /košarā/ «پیزار، پینه».

این حرف مانندحرف {و} دروازه‌های پښتو ودریست: کور، اور، گور..

/u/ (پیش یاضمه):

شورینگ /šuring/ «سگ، سپی».

خوشال /xušāl/ «خوښ، خوښی».

سور /sur/ «آفتاب، لمر».

درانجام واژه:

/ū/

بو /bū/ «بسیار، وپر».

چو /čū/ «کجا، چیرته».

اندو /andū/ «مفت، وړیا».

بارو /bārū/ «سیل، سیلاب»

این حرف مانندحرف {و} دروازه‌های {آلو، بازو، سالو} است.

/o/:

بو /bo/ «بهی».

لرو /laro/ «خیر»

پو /Po/ «خاک، خاوره».

مو /mo/ «شراب، می».

درو /daro/ «نوعی ازگل».

شو /šo/ «خوشه، وږی».

کەمانندحرف {و} دروازه‌های: آرزو، آبرو، ورو است.

/u/:

دو /dū/ «دو، دوه».

کو /ku/ «چه، څه».

الو /elu/ «این، دغه».

تو /tu/ «تو، ته».

او /u/ «و، او».

گاهی نمودار /آ/ (واوانفی) است، مانند:

شو /šāw/ «شپلاق».

بو /bāba/ «بنگس، غورس، غوره مار».

{ ی }:

نمودار کانسونت /y/ است.

در آغاز واژه:

یار /yār/ «یار»

یبل /yabal/ «اینطرف، دی خواته»

یملا /yamalā/ «قلبه، یوی».

یخل /yaxál/ «اینطور، داسی».

یه /yá/ «بیا، راشه»:

یتیک /yatek/ «استعمال کردن، استعمال کول.

یتیم /yatim/ «یتیم».

درمیان واژه:

کایوا /kāywa/ «پنهان، پت».

زییپ /zayip/ «زن، بنجه».

گاییک /gāyik/ «متحل شدن، جغل».

برایک /barāyik/ «شوپرک».

امیکه /amayka/ برای ما، موبته».

درانجام واژه:

مای /māy/ «مهتاب، سپوزی».

دوای /duwāy/ «دوازده، دولس»

پتای /patāy/ «بعد، وروسته».

مندای /mandāy/ «گردنت، غاره دی».

ایلای /ilāy/ «بعضی، حینی».

{ پ }:

نمودار داول /e/ (یای مجهول) است:

درمیان واژه:

شامیک /šāmek/ «سیاه، تور».

مینا /menā/ «ازمن، زما».

پیلا /pelā/ «زرد، زیر».

ایلا /elā/ «آب پنیرشور».

تنیک /tanek/ «نازک، تنکی».

چمیر /čamer/ «چتل، چتل».

درانجام واژه:

پی /pe/ «انتقاد».

چدی /čade/ «چهارده، خوارلس».

لی /le/ «برادر، ورور».

وری /ware/ «دیگران، نورو».

استی /aste/ «دستت، لاس دی».

{ي}:

نمودار واول /i/ (یای معروف) است:

درمیان واژه:

ایر /ir/ «آسمان صاف، شین آسمان».

ملین /malin/ «چرک، خیره».

ویر /wir/ «جان، وجود، گان».

منیک /manik/ «پذیرفتن، منل».

شیر /šir/ «شیر، شیدی».

درانجام واژه:

انتي /anti/ «استخوان، هدوکی».

وري /wari/ «دیگر، بل».

شړي /šuri/ «زینه».

پتني /patani/ «آشتی، پخلاینه».

هتني /hatani/ «زراعت، کرنه».

وهم به ندرت نمودار /آ/ (یای انفی) است، مانند:

شي /šā/ ( )

{وّ} (وو):

این حرف نمودار دفتانگ /uu/ است و به ندرت دراخیر واژه می آید، مانند:

اوو /uu/ «نان، دودی».

لوو /luu/ «آهسته، درد».

{یّ} (یی):

این حرف نمودار دفتانگ /ai/ است:

درمیان واژه:

کیکین /kai kin/ «کرده است، کری دی».

لیچین /lai čin/ «دیده اند، لیدلی دی».

وریکین /wraikin/ «گریه کرده است، ژړلی دی».

انویکین /yanawaikin/ «به واسطه کسی دیگر زده است، حالت متعدی».

آلیچین /alai čin/ «بالاکرده اند، پورته کړي دي».

دراخیر واژه:

ای /ai/ «نان، دودی».

بیی /bai/ «خوب، خبه».

مینی /minai/ «محبتش، مینه یې».

اوبی /ewai/ «خورده، خوړلی».

میوی /mewai/ «میوه اش، میوی یې یاگفته، ویلی».

درالفبای زبان پشه یی مانند الفبای زبان دری هرصوت صامت غالباً به چهارگونه: مفتوح، مکسور، مضموم وساکن {تَ، تِ، تُ، تْ} خوانده میشود.

به گونه مثال:

مفتوح:

دروازه تلن /talan/ «طرف، خوا»، تمباکو /tambaku/ «تمباکو»

استرا /astara/ «بستره»، وستل /wastal/ «جاگزین کردن، مانند دیزه

پښتونبا» وایته /eta/ «آنجا، هلته» حرف {ت} مفتوح است

مکسور:

دروازه‌ها تنا /tina/ «تشنه، تږی»، پلار /Pitara/ «پین، پلن، جتوا

جوتی‌وا /Jutiwa/ «ستوی» وایته /eti/ «آنها، هغوی» حرف {ت} مکسوراست.

مضموم:

- دروازه‌های تلا /tula/ «داس، لور»، تمواږ /tumwa/ «ترلوند»

اتنا /atuna/ «بی‌ستون، بی‌ستنه» و تو /tu/ «تو، ته» حرف {ت}

مضموم است.

ساکن:

دروازه‌ها تیان /tyan/ «باشد، وی»، پترا /Patra/ «پسر، خوی»

اغت /aġat/ «سخن، خبره» و گنت /ganat/ «تعداد، شمیر» حرف {ت}

ساکن است.

ازینکه در مورد کدام دستور و پژوهش پیرامون از نوشتن علامات {زیر، زبر، پیش، سکون} وجود ندارد، خواندن کلمات حتی برای اهل زبان خالی از دشواری نبوده و در نوشتن آن نیز تفاوتهایی دیده میشود. به گونه مثال بعضاً واولهای کوتاه را هم با واولهای دراز مینویسند که این کار علاوه از آنکه مشکلات را آسان نمیسازد غلطیها را نیز بار می آورد که امید است بتوانیم با پیروی ازین الفبای پشتو که پس از غور و مداقه فراوان تنظیم گردیده و به دسترس خوانندگان قرار میگیرد آثار و فرآورده‌های زبان نوشتاری پشتو را چنان ارائه بداریم که در خواندن و نوشتن آن سهولتهای بسیاری پدید آید.

الفبای مکمل زبان پشتو

شماره	حرف		نام حرف	شکل فونیمیکی	حرف نظر به جای کاربرد در کلمه		
					اول	وسط	آخر
۱	آ	آ	الف ممدوده	ā	آنجویک anjawek		
		[آ]**	الف ممدوده تنکه	ā	آنا āna	مان mān	اها ahā
۲	ا	ا	الف	a	انیک anik	*	*
				ā	پارال Pārāl	Parāl	mambā
۳	أ	أ	الف هزه‌دار	ä	اکن äkin	کیاکن kyäkin	هروانیا harwänyä
۴	ب	ب	بې	b	بل bal	گمبیری gambiri	گلاب gulāb
۵	پ	پ	پې	P	پلا Palā	لپیک lapik	شاپ šāp
۶	ت	ت	تې	t	تشان tišān	اتیک atik	شت šit
۷	ټ	ټ	ټې	ṭ	ټلی ṭili	انټی anṭi	ناټ nāṭ
۸	ث**	ث	ثې	S (θ)	ثنا sanā	مثنوی masnawi	مثلث musalas
۹	ج	ج	جیم	j	جل jal	الجنی alanjani	واج wāj
۱۰	چ	چ	چې	č	چان čān	اچیم učim	ګوناچ gūnāč
۱۱	څ*	څ	څې	ǰ	.	پوهنجی Pohanjay	
۱۲	څ+		څې	c	څارندوی cārandoy		
۱۳	ح	ح	حې	h (ḥ)	حیوان haywān	محرم mahram	مدح mādh
۱۴	خ*	خ	خې	x	خالی xāli	اخلا axalā	پراخ Parāx
۱۵	د	د	دال	d	داری dāri	ادار adār	آباد ābād
۱۶	ډ	ډ	ډال	ḍ	ډیین ḍayin	اندر undar	اند ind.

شماره	حرف	نام حرف	شکل فونیمیکی	حرف نظر به جای کاربرد در کلمه		
				اول	وسط	آخر
۱۷	ذ	ذال	z (ð)	ذکاوت zakāwat	قذر quzur	نافذ nāfiz
۱۸	ر	ری	r	رس ras	ارزش arūš	انگار angār
۱۹	ړ	ړی	ṛ	رمبکیک ṛambakeK	مړیک maṛiK	اړ aṛ
۲۰	ز	زی	z	زیپ zayip	ازنا azanā	آواز āwāz
۲۱	ژ	ژی	ž	ژک žuK	اژدرمان aždarmān	*
۲۲	س	سین	s	سوان siwān	آسک āsiK	دواس diwās
۲۳	ش	شین	š	شلیک šilêK	اشپاز ašpāz	واش wāš
۲۴	ښ *	ښین	ṣ	ښادی ṣādi	پښتون Paṣtūn	
۲۵	(ص)	صوات	s (ṣ)	صحت sihat	مصالحا musāliha	خاص xās
۲۶	(ض)	ضوات	z (ẓ)	ضرورت zarūrat	امضا imzā	عرض qarz
۲۷	(ط)	طوی	t (ṭ)	طب tib	مطلب matlab	خیاط xayāt
۲۸	(ظ)	ظوی	z (ẓ)	ظلم zulm	مظلوم mazlūm	لفظ lafz
۲۹	(ع)	عین	ʿ	عالم ʿālim	مسلوم maʿlūm	دفاع difāʿ
۳۰	غ *	غین	ğ	غم ğam	اغت ağat	داغ dāğ
۳۱	(ف)	فی	f	فایدا fāyda	آفت āfat	صاف sāf
۳۲	(ق)	قاف	q	قلم qalam	مقام maqām	سبق sabaq
۳۳	ک	کاف	K	کاران Kāran	اکاله ikāla	کراریک Kirāṛik
۳۴	ګ	ګاف	g	ګورا gūṛā	لګا liga	ورګ warig

شماره	حرف	نام حرف	شکل فونیمیکی	حرف نظر به جای کاربرد در کلمه		
				اول	وسط	آخر
۳۵	ل	لام	l	لار lār	کتله Kitalā	گل gal
۳۶	ڵ	ڵی	ḷ	لبلبیک ḷelek	لوند ḷund	*
۳۷	م	میم	m	مړه maṛa	امله amalā	لام lām
۳۸	ن	نون	n	نری nandi	انډا anḍā	جامن jamān
۳۹	ڼ	ڼون	ṇ	ڼیک Piṇik	*	کاڼ Kāṇ
			w	وتیک watiK	ماوان māwān	کاو Kāw
			ū	لون ḷūn	*	بو bū
۴۰	و	واو	u	*	*	مو mu
		[ؤ]	o	کوشرا Košarā	*	بو bo
		[ۏ]	ū	شووتیک šūwaṭeK	*	شو šū
۴۱	ه	هی	h	هوی hoy	کهړا Kahaṛā	ګنډه gandih
۴۲	ء	همزه	a	*	هیت hayāt	
۴۳	ی	یی	y	یاو yāw	ایی āyi	آی āy
۴۴	ي	ی یای معروف	i	*	چیر čir	مي mi
		[ې] یای الفبی	e	*	*	شي ši
۴۵	پ	پی		کیک KeK	*	پی Pe
		یای مجهول	ê	وشیک wešiK	*	پې Pê
۴۶	وو	[ۏ]	aū	لولو ḷaūḷaū	*	اوو aū
۴۷	ی	[ې]	ai	کیکین Kaiken	*	ایوی ewai

* : به تشریح مراجعه شود.

۱- حروفی که در بین قوس ( ) گرفته شده احتیاطی (یعنی برای نوشتن واژه های غیر پشتو) میباشند.

۲- حروفی که در بین قوس [ ] گرفته شده شکل پیشبینی شده و انتخاب شدهٔ حروفیست که تا حال در مطبعه وجود ندارند.

نوت: در اینجا ا = ā و ی = i میباشد. قسمی که در الفبای فونیمیکی پښتو گرفته شده است.

تشریح جدول الفبای پشتو :

- در جدول مثالهایی که برای کاربرد حرف در کلمه بخصوص برای کاربرد واولها داده شده اعتباراً رسم الخط عربی آن اعتبار داده شده است . نه رسم الخط فونیمیکی آن . زیرا در غیر آن برای هر کدام به آوردن مثالهای جداگانه ضرورت احساس میگردید .

- واولهای /ا ، ا ، ه/ هرگاه در رسم الخط معمول عربی اصلاً نوشته نمیشوند مگر در اخیر کلمه واولهای /ا ، ه/ را توسط علامۀ {ه} و واول /ا/ را توسط {و} نشان میدهند . در صورت لزوم به عوض واولهای /ا ، ا ، ه/ علامه های " زبر ، زیر و پیش " نوشته میشود .

- واول /آ = ā/ در شروع کلمه بشکل الف ممدود و در وسط و اخیر کلمه به شکل {ا} نوشته میشود .

- همزه (ء) در شروع کلمه به شکل الف و در وسط کلمه به شکل {ئ} نوشته میشود . این حرف در اخیر کلمه های پشتو به ندرت می آید .

- واول /و = ū/ در وسط و اخیر کلمه می آید و به شکل (و) نوشته میشود .

- واول /ۀ = ə/ در وسط و اخیر کلمه می آید در حال حاضر توسط (ه) نوشته میشود .

- واول /ي = ai/ در وسط و اخیر کلمه می آید و توسط (ي) نوشته میشود .

- واول (ې = e) که در پشتو به دو شکل تلفظ میشود . در وسط و اخیر کلمه آمده و در حال حاضر هر دوی آن توسط (ي) نوشته میشود .

- واول الفی (آ = ā) در صورت موجودیت امکانات تخنیکی در شروع ، وسط و اخیر کلمه به شکل (آ) می آید ، ولی در حال حاضر در شروع کلمه توسط الف ممدود (آ) و در وسط و اخیر کلمه توسط الف دوم بعضاً در زمانی که در شروع کلمه آن هم به صورت غیر مستقل بیاید توسط (آ) [مانند : آشپک (āšek) ، آشار (āšār) ، آشنا (āšnā) وغیره] نوشته میشود .

- واول الفی (ی = ī) که کمتر مورد استعمال دارد در اخیر کلمه آمده و در حال حاضر توسط (ي) نوشته میشود .

- واول الفی (و = ū) در وسط و اخیر کلمه به ندرت می آید در حال حاضر توسط (و) و بعضاً در وسط کلمه توسط (وو) [مانند : اونشر (ūnšar)] نوشته میشود .

- دفتانگ /و = ū/ که مورد استعمال کم دارد ، در وسط و اخیر کلمه می آید در حال حاضر توسط دو واو (وو) و در صورت امکانات طباعتی توسط واو شد دار (وّ) نوشته میشود .

- دفتانگ (ي = ī) که مورد استعمال زیاد دارد ، در وسط و اخیر کلمه می آید در حال حاضر توسط دو یا (يي) و در صورت امکانات تخنیکی توسط یای شد دار (يّ) نوشته میشود .

- در رسم الخط معمول عربی به جز از (آ = ā) دیگر تمام واولهای زبان پشتو به شمول واولهای الفی و دفتانگها برخلاف اشکال فونیمیکی آن به طور جداگانه در شروع کلمات نمی آیند . در صورتی که واولهای فونیمیکی به رسم الخط عربی نوشته شوند قبل از همه الف نیز نوشته میشود . مثلاً : ایلای /ilāy/ ، اکالا /akālā/ ، ال /ālā/ ، ایک /ek/ ، ایی /īe/ ، اون /ūn/ ، اول /ūl/ ، اي /ai/ ، اي /e/ ، اونشر /ūnšār/ وغیره .

- کانسونانتهای (ب ، پ ، ت ، ټ ، ج ، چ ، د ، ډ ، ر ، ز ، س ، ش ، ک گ ، ل ، م ، ن ، و ، ی) در شروع ، وسط و اخیر کلمات پشتو می آیند که در دیگر زبانهای افغانستان نیز مورد استعمال دارند .

- کانسونانت /له = l/ که فونیم مخصوص زبان پشتو میباشد در شروع و وسط کلمه می آید و در اخیر کلمه به شکل (ل) در می آید . این فونیم به نسبت عدم امکانات تخنیکی در مطبوعات به شکل (له) نوشته میشود .

- کانسونانت (نگ = ŋ) که در زبان پشتو به شکل اصلی آن در اخیر کلمات مانند : گوشینگ /gōšīŋ/ ، برینگ /barīŋ/ ، شورینگ /šurīŋ/ وغیره می آید در صورتی که کلمه در جمله استعمال شود و یا در وسط کلمه بیاید (گ) نیز به وضاحت تلفظ حاضر توسط (ي) نوشته میشود .

میشود وچون مثالهای آن در پښتو وری هم دیده شده، بدین ملحوظ درین جا بشکل فونیم مستقل آورده نشده است.

- کانسونتهای دخیل عربی (ث، ح، ذ، ص، ض، ط، ظ، ع، ف، ق) - درکلمات دخیل ع بی به شکل اصلیش نوشته میشود. اگرچه پشه یی ها غالبا حروف (ث)، (س)، را به شکل (س)، حروف (ذ)، (ض)، و (ظ)، را به شکل (ز)، حرف (ح) و (ع)، را به شکل (الف)، حرف (ط)، را به شکل (ت)، حرف (ف) را به شکل (پ)، حرف حرف (ق)، را به شکل (ک)، وبعضا به شکل (ه) و (خ) تلفظ میکنند. مگر عده یی از اشخاص تحصیل کرده، حروف (ع)، (ف)، و (ح)، اقریب به شکل اصلی آن تلفظ میکنند.

- کانسونتهای (خ)، (څ) و (ښ) پښتو به خاطر اینکه درمعنی اصطلاحات سیاسی و اجتماعی کشور ما مورد استعمال است به صورت احتیاطی آورده شده اند.

- کانسونتهای (خ) و (غ)، درا کثریت لهجه های زبان پشه یی وجود ندارند حتی درکلمات دخیل وغیر پشه یی هم آن را (ه) و (گ) تلفظ میکنند. ولی بعضی از پشه یی ها این حرف را تلفظ میکنند درین جا آورده شده است.

- کانسونت (ژ) تا حال در اخیر کلمات پشه یی به مشاهده نرسیده است.

- کانسونت (ن) تا حال در شروع کلمات مشاهده نشده است.

تبصره:

فونیم (لـ = l) که درلهجه اکثریت پشه یی ها به شکل اصلی آن تلفظ میشود درلهجه اوزبین به (ر) و یا (ش)، درلهجه تگاب ونجراب به (ر) و یا (ل)، در لهجه شنل وگلبهار به (ک) تلفظ میشود. مثلا:

لمونږ /lmūng/ به شونږ /šūng/، لونږ /lūng/، کونږ /kūng/.

لمنګالي /lmangali/ به شنګالی /šangali/، کنګالی /kangali/.

لېلېک /lelek/ به لېټرېک /letrek/ وغیره.

- واول (ا = a) بعضا درلهجه اوزبین وکوهستان (شنل وگلبهار) به (و = o) تلفظ میشود. مثلا: ګورا /gūra/ به ګورو /gūro/، ګورا وال /gorawal/ به ګوراوول /gorawol/، نونګا /nūnga/ به نونګو /nūngo/ وغیره.

- کانسونت (ه = h) درلهجه بعضی مناطق به (ک) و (خ) وحتی به شکل (ن) تلفظ میشود. مثلا: آهم /ahim/ به آکم /akim/ ویا آنم /anim/، هوی /hoy/ به خوی /xoy/ ویا کوی /koy/ ویا اهلا /ahala/ به اخلا /axala/ ویا اکلا /akala/ وغیره.

درزبان پشه یی بعضا واول (و = ū) را به (ي = ī) ویا (ي = i) را به (و = ū) تلفظ میکنند مثلا: اشتی /aštī/ را به اشتو /aštū/ آري /arī/ را به آرو /arū/، بالکیل /balkil/ را به بالکول /balkūl/ ویا نور /nūr/ را به نیر /nir/، هور /hūr/ را به هیر /hir/ وغیره.